

سلبریتیسم و پدیده کنشگری اجتماعی؛

سلبریتی‌ها باید در مورد همه چیز نظر بدهند؟

مرحوم قانع‌ی راد: «در ایران نقش روشنفکری به معنای سازندگان افکار عمومی به سلبریتی‌هایی که عمدتاً با بازیگران، خوانندگان، سینماگران یا قهرمانان ورزشی هستند، داده می‌شود. به این معنا که کسانی که روی صحنه بازی می‌کنند و هنرمندانی که دیده می‌شوند، جایگاه و شرفکرامتی را می‌گیرند. پدیده فکر و اندیشه لایه‌های متعددی دارد که یکی از آن‌ها آفرینندگان اندیشه و افرادی هستند که در لایه‌های عمیق‌تر به تولید فکر می‌پردازند و از قضا در پشت صحنه حضور دارند. در فقدان روشنفکران و در جابه‌جایی نقش‌ها، نقش رهبری افکار به بازیگران انتقال پیدا کرده است. مردم هم از بازیگران کاری را انتظار دارند که از عهده آن‌ها خارج است.»



آذر فخری، روزنامه‌نگار

دلالتان به قصابی‌ها فروخته می‌شود تا چرخ شده و به اسم گوشت چرخ شده تازه با قیمتی دو برابر به مردم فروخته شود. این‌ها گفتن ندارد؛ چرا که مسائلی است که اغلب ما می‌دانیم و مشکلاتی که اکثر ما با آن دست به گریبانیم، مسئله در مذاک در این میان، رفتار رسانه ملی و برخی رسانه‌های دیگر و بدتر از آن‌ها، افاضات سلبریتی‌هاست در مورد همه مسائل مبتلابه جامعه است. **چرا سلبریتی‌ها در مورد همه چیز نظر می‌دهند؟** ما با پدیده خطرناکی به نام «سلبریتیسم» مواجهیم. «سلبریتیسم» لایه دوم و پنهانی سلبریتی است. لایه پنهانی که برای این روزها ماهیت و نقاب پنهانی خود را کنار گذاشته معنای اصلی کلمه سلبریتی را هم تحت الشعاع قرار داده است. متخصصان و کارشناسان، میدا متفاوتی برای پدیده سلبریتیسم قائل هستند؛ اما می‌توان، میدا بروز پدیده سلبریتیسم را زمانی دانست که آن‌ها تلاش کردند پای‌شان را

خارج از دایره تخصصی خود بگذارند و در متن و حاشیه اتفاقات غیرهنری هم حضور داشته باشند. پدیده دخالت و نظردهی سلبریتی‌ها در هر زمینه‌ای، می‌تواند خطر آفرین باشد. اما چرا این افراد مدام حرف می‌زنند و نظر می‌دهند و گاه حتی بیانیته صادر می‌کنند؟ رسانه‌ها هم البته با حمایت از این سلبریتی‌ها و اعطای سخاوتمندانه القاب «هنرمند مردمی» و «سلبریتی دغدغه‌مند» فشار را باز کردند تا آن‌ها که پیش از این تنها در قاب سینما و تلویزیون دیده می‌شدند، وارد مسائلی غیر از حرفه‌شان شوند و در آن مسائل نیز صدای‌شان به‌عنوان یک نظر به‌پرداز، مصلح اجتماعی و نجات‌دهنده مردمان تیره‌بخت شنیده شود. فردین علیخواه جامعه‌شناس، در این مورد می‌گوید: «با فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی به خصوص اینستاگرام و رشد صفحات شخصی، پدیده سلبریتیسم هم رشد سرطانی پیدا کرد. و همین فضا بستری شد تا سلبریتی‌ها،

علیخواه این‌طور ادامه می‌دهد: «برخی سلبریتی‌ها که در باره همه چیز اظهار نظر می‌کنند، وقتی مورد اعتراض قرار می‌گیرند، می‌گویند «ما به عنوان یک شهروند عادی، حق اعتراض داریم». آیا این صحبت از منظر جامعه‌شناسی صحیح است؟ چهره‌های شاخص رسانه‌ای، هنری، فرهنگی و ورزشی با به اصطلاح سلبریتی‌ها تا چه اندازه می‌توانند بر حرکت‌های اجتماعی یا حتی سیاسی تاثیرگذار باشند؟ اگر قرار بر ورود این چهره‌ها به عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی باشد، تا کجا می‌توانند پیش بروند؟ آیا اصولاً حد و مرزی برای آن‌ها در این عرصه‌ها وجود دارد؟ آیا تابو یا خط قرمزی می‌توان در این زمینه تصور شد؟ ورود این چهره‌ها به عرصه فعالیت سیاسی و اجتماعی آیا می‌تواند تاثیر پایدار و جامع بر این حرکت‌ها بگذارد؟ از منظر علم جامعه‌شناسی این گفتمان مردود است. چرا که وقتی فردی در بین توده مردم از محبوبیت و جایگاهی برخوردار است، اگر اظهار نظری بکند، از سوی توده مردم که او را دوست داشته و به او اعتماد دارند، اظهار نظرش مورد قبول واقع می‌شود. همین موضوع باعث بروز التهابات گسترده‌ای در کشور می‌شود. سؤال این است که آیا شخصی که در امور هنری تخصص و تجربه دارد، می‌تواند درباره فرهنگ، اقتصاد، سیاست، ورزش، مسائل اجتماعی و... نیز نظر تخصصی بدهد؟ پاسخ این سؤال، منفی است. پس اگر نمی‌تواند نظر تخصصی از جانب خود بدهد، باید یا اظهار نظر نکند یا از منبع مطمئن یا متخصص آگاه کمک بگیرد. اگر به این نکته مهم توجه نشود و مخاطبان او گمان کنند سلبریتی‌ها در مورد علاقه‌شان در همه مسائل اظهار نظر و گاهی اظهار فضل می‌کنند، پس از گذشت مدتی، نظراتش شنیده و خوانده نمی‌شود.»

علیخواه چنین سلبریتی‌ها را به چوپان دروغگو تشبیه می‌کند: «هنرمندی که امروز از یک نامزد انتخاباتی حمایت می‌کند و به دوست‌دارانش امید می‌دهد که با انتخاب او، کشور روی آرامش چیست؟! به نظر به‌پرداز بی‌دانش و برای حتی یک سطر نوشته، هزاران کامنت تحسین برانگیز دریافت می‌کنند. شاید بد نباشد که از این نقطه مطلب به بعد درباره سلبریتیسم بسا اینستاگرام صحبت کنیم.»

سلبریتی اگر بخواهد نقش یک کنشگر اجتماعی را بازی کند باید سواد و احاطه لازم را در زمینه‌ای که فعالیت می‌کند داشته باشد یا به دست بیاورد و این طور نیست که هر سلبریتی پر طرفداری حق و اجازه داشته باشد در هر زمینه‌ای اظهار نظر کند

او و پیشنهادهایش اطمینان‌گرده. **یک موافق و یک مخالف** به نظر محبوبه عباسقلی‌زاده، پژوهشگر و کنشگر حقوق زنان، ورود سلبریتی‌ها به عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی تا جایی که محدود به فعالیت‌هایی از قبیل جمع‌آوری کمک برای زلزله‌زدگان یا امدادسانی به مثلاً قربانیان اسیدپاشی یا موارد مشابه باشد که نیاز به بسیج فوری مردم و رابطه معتمدانسه دوسویه دارد، مفید است اما به محض این‌که دامنه این حرکت‌ها گسترده‌تر شود و در قالب‌های دیگری روی دهد می‌تواند منجر به حذف جامعه مدنی شود. او معتقد است اگر سلبریتی‌ها رهبری حرکت‌های اجتماعی را در دست بگیرند، این می‌تواند خطرناک باشد چرا که ناپایدار است. عباسقلی‌زاده حرکت‌های سلبریتی محور را موقتی می‌داند که مثلاً برای زلزله پولی جمع می‌کنند و بعد تمام می‌شود و در حقیقت جنبشی ایجاد نمی‌شود.

البته این نظر مخالفی هم دارد. این که چرا نباید یک سلبریتی از نفوذ خود در میان مردم استفاده کند؟ آزاده دواجی، به‌عنوان کنشگر حقوق زنان و نویسنده و پژوهشگر، معتقد است سلبریتی مجاز است از این پتانسیل استفاده کند. او می‌گوید سلبریتی‌ها این توانایی را دارند که با تبدیل شدن به منبع کنشگری بتوانند افراد را هم تبدیل به کنشگر کنند. اما حقیقت ماجرا این است که سلبریتی اگر بخواهد نقش یک کنشگر اجتماعی را بازی کند باید سواد و احاطه لازم را در زمینه‌ای که فعالیت می‌کند داشته باشد یا به دست بیاورد و این طور نیست که هر سلبریتی پر طرفداری حق و اجازه داشته باشد در هر زمینه‌ای اظهار نظر بکند؛ موردی که شوربختانه در جامعه ما بسیار و مدام اتفاق می‌افتد.

از گوشه و کنار

خیابان تجریش پیاده‌راه تبدیل می‌شود



طرح پیاده‌راه حداقل فاصل میدان قدس و تجریش با بهترین مسیر یابی برای عبور سواره در یک رینگ ترافیکی و مسیری ایمن برای پیاده‌ها در شمال تهران به اجرامی رسد. سید حمید موسوی شهردار این منطقه در نشست مشورتی با سردار محمدرضا مهماندار رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، سرکلانتر شمال تهران، معاون ترافیک پلیس راهور و روسای راهور مناطق ۲۸، معاونان و مدیران شهری این منطقه بایبان مطلب فوق برانجام مطالعات کاربردی که کمترین هزینه، زمان و بالاترین بهره‌وری را در اجرای پیاده‌راه تجریش داشته باشد تاکید کرد. وی افزود: اجرای زیرگذر تجریش به دلیل موقعیت زمین‌شناسی منطقه و وجود بستری سنگی، رودخانه‌ای و وجود تاسیسات شهری و خط مترو بسیار زمان‌بر و پرهزینه است. موسوی اجرای رینگ ترافیکی در محدوده تجریش به صورت دورانی با استفاده از مسیرهای جایگزین و سایر محورهای موازی را اولین اقدام در اجرای شدن پیاده‌راه تجریش دانست.

دست فروشان چهار راه ولی عصر ساماندهی می‌شوند



شهردار منطقه ۱۱ از آغاز طرح ساماندهی دست فروشان چهار راه ولی عصر خبر داد. نصرالله آبادیان در حاشیه تهراترگردی مسجد جمعی با اعلام خبر ساماندهی دست‌فروشان چهار راه ولیعصر گفت: براساس هماهنگی‌های انجام شده با شورای تأمین بازارچه‌ای در چهار راه ولیعصر در یک زمین ایجاد شده است که دست‌فروشان راسته ولیعصر را در این بازارچه ساماندهی خواهیم کرد. وی بایبان این که در این بازارچه ۱۰۰ غرفه وجود دارد چنین هماهنگی منطقه ۶ زمینی در خیابان ولیعصر برای ایجاد ۳۰۰ غرفه دیگر در نظر گرفته شده است. دست‌فروش در راسته خیابان ولیعصر فعالیت می‌کنند و می‌بایست نسبت به ساماندهی آن‌ها اقدام کرد البته بخشی از آن‌ها اتباع بیگانه هستند که در قالب کارگر برای مافوق خود کار می‌کنند و در این میان نیز برخی افراد که دارای سابقه کیفری هستند نیز وجود دارد. آبادیان با اشاره به این که با توجه به رویکرد دادستانی در اجرای این طرح امیدواریم این ساماندهی تا پایان اردیبهشت ماه ادامه یابد، گفت: براساس مصوبات مقرر شده است در پایان اردیبهشت ماه گزارشی در مورد اجرای این طرح ساماندهی به شورای تأمین ارائه کنیم و نقاط مثبت و منفی آن بررسی شود و آسیب‌شناسی‌های لازم انجام گیرد تا در صورت امکان این طرح پایدار باشد.

ابتکار خبر داد: ارسال لایحه برای دیه زنان و مردان به دولت

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده از ارسال لایحه اصلاح قانون در راستای برابری دیه زن و مرد و لایحه ایجاد محدودیت برای طلاق زنان به دولت خبر داد. معصومه ابتکار در زمینه حمایت از زنان و حل مشکلات آنان گفت: طی دو هفته اخیر سه لایحه به دولت داده‌ایم و در حال کار روی سه لایحه دیگر هم در زمینه مشکلات زنان هستیم. معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده اضافه کرد: یکی از لویحی که طی دو هفته اخیر به دولت داده‌ایم، در زمینه طلاق و مشکلات زنان است. لایحه حمایت از بنگاه‌هایی که زنان سرپرست خانوار را به کار می‌گیرند نیز اکنون در دولت است و سومین لایحه‌ای هم که طی دو هفته اخیر به دولت داده‌ایم، در بحث برابری دیه زنان و مردان است که بحث بسیار مهمی است. وی در خصوص لایحه مرتبط با طلاق بیان کرد: یکی از مواد قانون مدنی به‌مرد اجازه می‌دهد، هر زمانی که خواست همسر خود را طلاق دهد و از نظر مانع‌ناپذیر چنین اتفاقی بیفتد.

یادداشت

ترویج همسر آزاری و القای یک تفکر در رسانه ملی؛

قربانی شدن یعنی فداکاری!

آسیه ویسی

سیمای ملی در برنامه «فرمول یک» تصویر خانواده‌ای را نشان می‌دهد که پدر، در کنار دختران خردسالش، اعتراف می‌کند همسرش را کتک می‌زند و به همین دلیل زن کتک خورده ۲۷ بار تقاضای طلاق کرده است. اما آن چنان که مردم می‌گویند به‌ر بار یعنی ۲۷ بار تارسیدن زمان طلاق، دل‌شان برای هم تنگ شده و برگشته‌اند سر خانه اول؛ ادامه کتک‌کاری در فضای آکنده از عشق خانواده!

برای همه ما، دلیل نمایش چنین سیاه‌بازی از سیمای میلی که در آن یک زن «وفادار و خانواده‌دوست» به‌خاطر حفظ خانواده، هر بار کتک خورده و هر بار از سر «دل‌تنگی و عشق» بازگشته، واضح و مبهرن است؛ این روزها در مجلس بلوای تصویر «لایحه منع خشونت علیه زنان» برپاست و اگر سیمای میلی دیر بجنبند، با تصویب این لایحه زنان، بیش از آنی که الان هست درازتر می‌شود. اما اصلاً بحث بر سر رویکرد یک رسانه با گستره وسیع

تماشاچیان و نیز هیاهویی که در این زمینه به‌پا شد، نیست. حتی بحث بر سر این نیست که چرا مرد خانواده با وجود دو دختر خردسال، همسرش را به باد کتک گرفته و می‌گیرد و حتماً از این پس خواهد گرفت. بحث بر سر این هم نیست که چه‌طور یک رسانه، یک مرد بیمار روانی را نمایش اجازه می‌دهد و حرف بزند. بحث بر سر این است که اگر آن زن کتک‌خور، جایی برای رفتن و درآمدی برای اداره خود داشت باز با همان شدت و حدت از عشق و علاقه بازمی‌گشت؟

بحث بر سر این است که اگر در جامعه سازمان‌ها و نهادهایی بودند که زن می‌توانست با حمایت و کمک آن‌ها، از آن جهنم بیرون بیاید بی آن که درگیر مشکلات مالی و آسیب‌های اجتماعی شود، باز هم آن مرد شوهر را تحمل می‌کرد و دلش برای او تنگ می‌شد؟ پرسش اساسی این است دقیقاً که جامعه مسلمان ما از یک زن بی‌پناه که به‌هر دلیلی طلاق گرفته، هیچ حمایتی نمی‌کند، و شوربختانه گستره این عدم حمایت حتی به خانواده مرجع خود زن هم می‌رسد و گاه دیده



شده که والدین و برادران زن یا و را وادار کرده‌اند به سر خانه و زندگی پیشین بازگردند و تحمل کنند و یا و را از خود رانده‌اند که در این مورد اخیر، مشخص است زنی که صرفاً برای خانه و همسر داری تربیت شده و هیچ مهارتی ندارد در نهایت سر از کدام ناگجا آبداهایی در خواهد آورد.

این زن مجبور است در فضای بزن و بکوبی که این مرد به اسم شوهر، برایش ایجاد کرده بماند و تحمل کند. آخر مگر می‌شود ۲۷ رفت و باز برگشت؟ چرا کسی